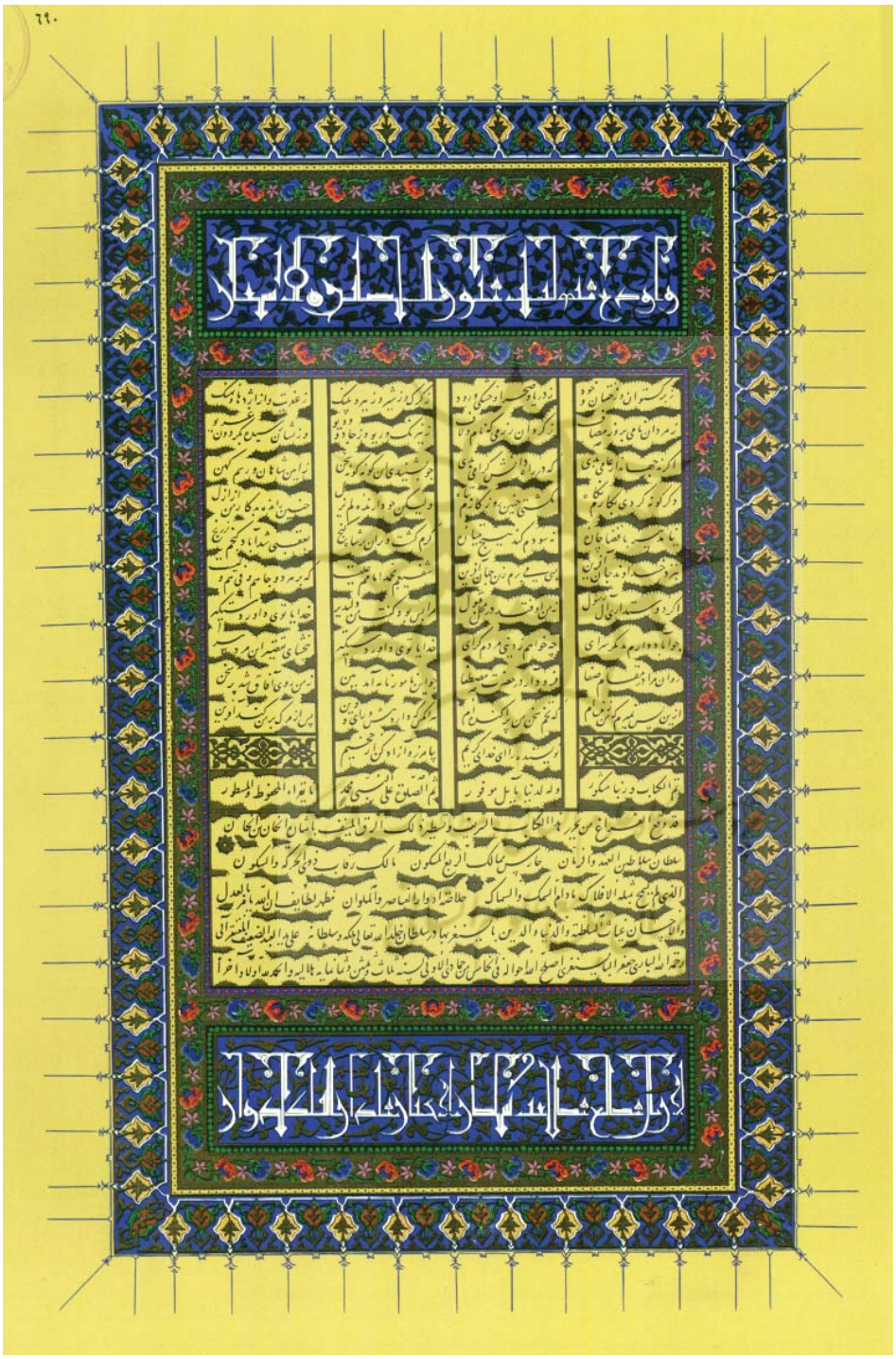

صفحه ترقیمه شاهنامه
بایسنغری

فصلنامه تحلیلی پژوهشی

کتابت و صفحه آرایی شاهنامه بایسنغری

محمد رضا عموزاد مهدیرجی * حمید رضا قلیچ خانی **

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده
کتابت نسخه‌های مکتوب در آغازین روزهای تمدن اسلامی برای ثبت و ضبط افکار و اندیشه دانشمندان انجام می شد و به طور فزاینده‌ای راه تکامل را می پیمود. گرایش سلاطین مغول و ایلخانی به شاهنامه فردوسی سبب گردید تا کتابت این اثر عظیم مورد توجه قرار گیرد. در امتداد این دوران و در عهد تیموری ،شاهنامه بایسنغری به قلم جعفر بایسنغری در کتابخانه بایسنغر میرزا کتابت گردید.
در این مقاله پس از معرفی این اثر که در کتابخانه کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود، رعایت اصول و موازین خط نستعلیق که هنوز نهال نوپایی بود بررسی گردیده است. فواصل بین سطر و ستون، تهیه مسطر، انتخاب کشیده و ویژگی‌های دیگر کتابت، موضوعاتی هستند که به آن ها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی
شاهنامه بایسنغری، جعفر بایسنغری، کتابت، صفحه آرایی.

* مدرس دانشگاه
** پژوهش گر خوشنویسی ایران
Email: tsabaghpoor@yahoo.com
Email: hrjh.1347@yahoo.com

تصویر۱- دو ترنج مدور زرین صفحات ۵ و ۶، شاهنامه بایسنغری

شاهنامه بایسنغری

شاهنامه بایسنغری در میان شاهنامه‌های مصور موجود در کتابخانه و موزه‌های جهان، یکی از مشهورترین و شناخته شده‌ترین آن ها است. چند ویژگی این کتاب را از نسخه‌های مشهوری چون «شاهنامه دموت» و «شاهنامه شاه طهماسبی» که قبل و بعد از آن پدید آمده‌اند، برتری می‌بخشد. نخستین و مهم ترین ویژگی این نسخه آن است که بر خلاف دو نسخه یاد شده، قربانی آزمندی صاحبان آن ها نشده است تا شیرازه آن را از هم بگسلند و برگ‌های آن را در گوشه و کنار جهان بپراکنند. بنابراین، اگر از چند افتادگی در متن آن بگذریم، شاهنامه بایسنغری نسخه‌ای کامل و دست نخورده در میان شاهنامه‌های مشهور دیگر است. همچنین از نظر زیبایی و آراستگی نیز در نوع خود کم نظیر است. یکی دیگر از ویژگی های این نسخه، وجود مقدمه‌ای است که برای نخستین بار براین شاهنامه افزوده شد. ظاهرا به دستور بایسنغرمیرزا که باید او را هنردوست‌ترین شاهزاده تیموری به شمار آورد، دستنویس‌های متعددی از شاهنامه گردآوری شد و مقدمه‌ای مفصل با تلفیق مقدمه‌های پیشین و نسخه‌های هم عصر آن تهیه گردید و در آغاز شاهنامه گنجانده شد. (شاهکارهای نگارگری، ۱۳۸۴، ۳۹)

بایسنغرمیرزا که در میانه سال های ۸۰۲-۸۳۷ هجری قمری در هرات حکومت می‌کرد شاهزاده هنر دوست با استعداد و فرهیخته‌ای بود که توانست با فراخواندن برترین هنرمندان سراسر کشور به کارگاه خود در شهر هرات درخشان‌ترین نسخ خطی سده نهم هجری قمری مربوط به مکتب هرات را پدید آورد. نسخی که به اعتقاد بسیاری از هنر شناسان اوج هنر نگارگری ایران به شمار می آیند. (رابینسن، ۱۳۷۶، ۲۴)

مشخصات ظاهری شاهنامه

شاهنامه بایسنغری در سال ۸۳۳ هجری قمری به قلم خوشنویس شهیر آن روزگار، جعفر بایسنغری(تبریزی) کتابت یافته و با شماره ۷۱۶ در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. برای نگارش متن آن از خطوط کوفی، رقاع و نستعلیق بهره گرفته شده و در ۶۹۰ صفحه نگارش یافته است. تلاش و زحمات دقیق و بی‌نظیر نگارگران در ۲۲ مجلس به تصویر درآمده که نشان گر اوج و دقت نظر هنرمندان نگارگر می‌باشد.تصاویر این نسخه توسط مولانا علی، مولانا قیام الدین و امیر خلیل صورت ترسیم شده است.

جلد شاهنامه، سوخت ضربی زرین با نقش اسلیمی ختایی، اندازه جلد ۲۶۵×۳۸۴ میلی متر و قطر کتاب ۷۵ میلی متر است. (شریف زاده، ۱۳۷۰، ۱۰)

تزئینات صفحه آرایی

صفحه دوم را شمسه مذهب مرصع بسیار زیبا با نقوش اسلیمی و ختایی در متن لاجوردی و طلایی تزئین

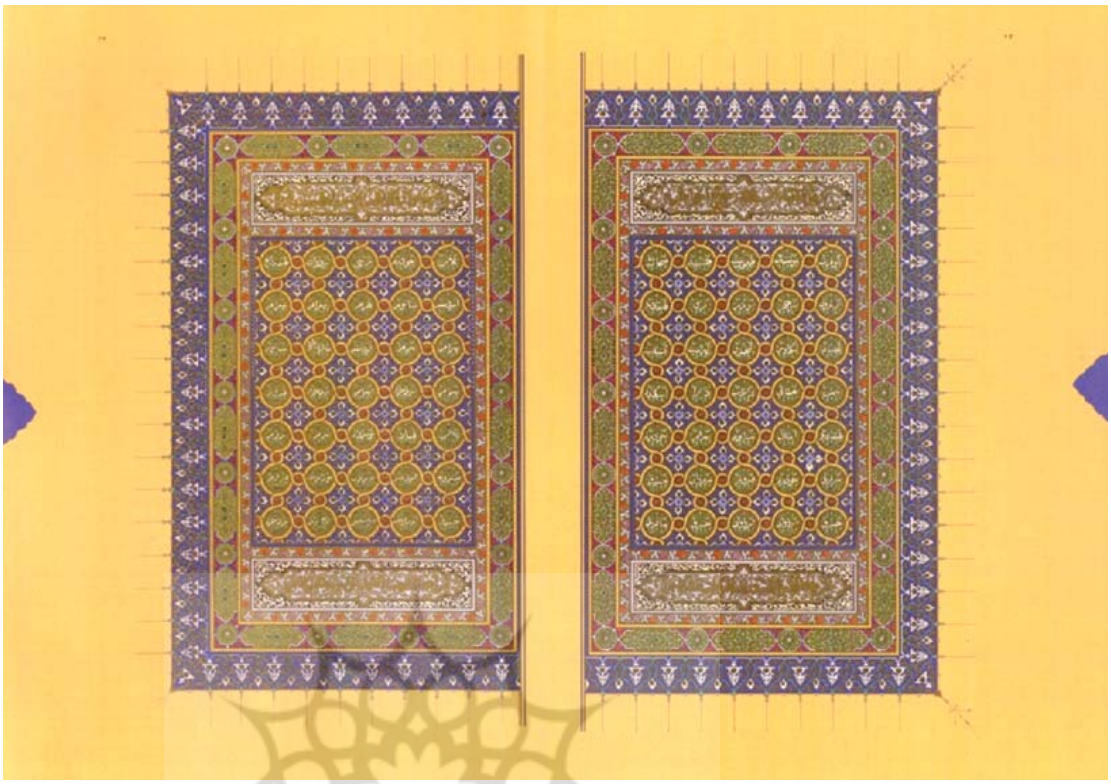

تصویر۲- اسامی پادشاهان، صفحه ۲۳ و ۲۴ شاهنامه بایسنغری

می‌کند که متن میانی آن به خط رقاع با آب زر و تحریر مشکی نوشته شده است.

در صفحه سوم و چهارم دو نگاره روبه روی هم با موضوع شکارگاه قرار دارد. دو ترنج مدور زرین تمام صفحات ۵ و ۶ را پر کرده و خط رقاع و به قلم طلایی محرر شده به رنگ مشکی در میانه آن به چشم می‌خورد. (تصویر ۱)

در صفحه ۷ که مذهب مرصع است، به خط نستعلیق، مقدمه معروف بایسنغری این گونه آغاز می‌شود:

افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال

به ثنای ملک الملک خدای متعال

در صفحه ۲۳ و ۲۴ اسامی پادشاهان به خط رقاع و قلم سفید آب تحریر مشکی در جدول مذهب مرصع بسیار زیبایی نوشته شده و در چهار کتیبه در بالا و پایین آن آمده است. (تصویر۲) در صفحه ۲۵، در جدولی مذهب مرصع با کتیبه‌ای مذهب در بالا و پایین و در چهار ستون به خط نستعلیق ابیات آغاز شاهنامه نوشته شده که بین سطور طلا اندازی و دندان موشی است. اندازه جدول با شرفه‌های اطراف آن ۱۸۰×۲۹۵ میلی متر و عرض ستون‌ها بین ۲۲ تا ۲۵ میلی متر است. سر فصل‌ها و عناوین داستان در کتیبه ای مذهب در رنگ های مختلف و زمینه طلایی به خط رقاع و به قلم زرین و سفید آب نوشته شده است. (تصویر۳)

صفحات ۶۸۹ و ۶۹۰، در جدولی مذهب مرصع، بین سطور طلا اندازی و دندان موشی و محرر شده و کتیبه هایی در بالا و پایین دارد که شاهنامه در صفحه ۶۹۰ پایان می‌یابد. (تصویر ۴)

جعفر بایسنغری (تبریزی)

جعفربن علی تبریزی، از معروف‌ترین خوشنویسان سده نهم هجری قمری است که در تبریز چشم به جهان گشود و خوشنویسی را نزد میرعبدالله بن میرعلی تبریزی آموخت و با یک واسطه شاگرد میرعلی تبریزی (واضع الاصل) می‌باشد. جعفر بایسنغری تربیت یافته شاهرخ بن تیمور گورکانی بود که مورد توجه و حمایت شاهزاده هنرپرور، بایسنغر میرزا بن شاهرخ (۸۰۲-۸۳۷ هجری قمری) قرار گرفت و به دلیل توجهات آن شاهزاده، به «بایسنغری» منتسب و مشهور گردیده و پیش از این زمان جعفر تبریزی و جعفرالکاتب رقم می‌کرده است.

جعفر بایسنغری علاوه بر خط نستعلیق، در تمام خطوط متداول عصر خود، استاد مسلم بود و در خطوط شش گانه نزد شمس الدین مشرقی قطابی (وفات ۸۱۲ هجری قمری) شاگردی نمود. با این که شهرت جعفر بایسنغری در خط نستعلیق است، اما وی خط نستعلیق را از هفت قلم متداول، فروتر و در حد درجه متوسط می‌نوشت و عموم اقلام دیگر، از قبیل ثلث، نسخ، رقاع، ریحان، توقیع و حتی شکسته تعلیق را به حد کمال می‌نوشته است. جعفر در دورانی که در دربار بایسنغر میرزا بود به ریاست کتابخانه سلطنتی

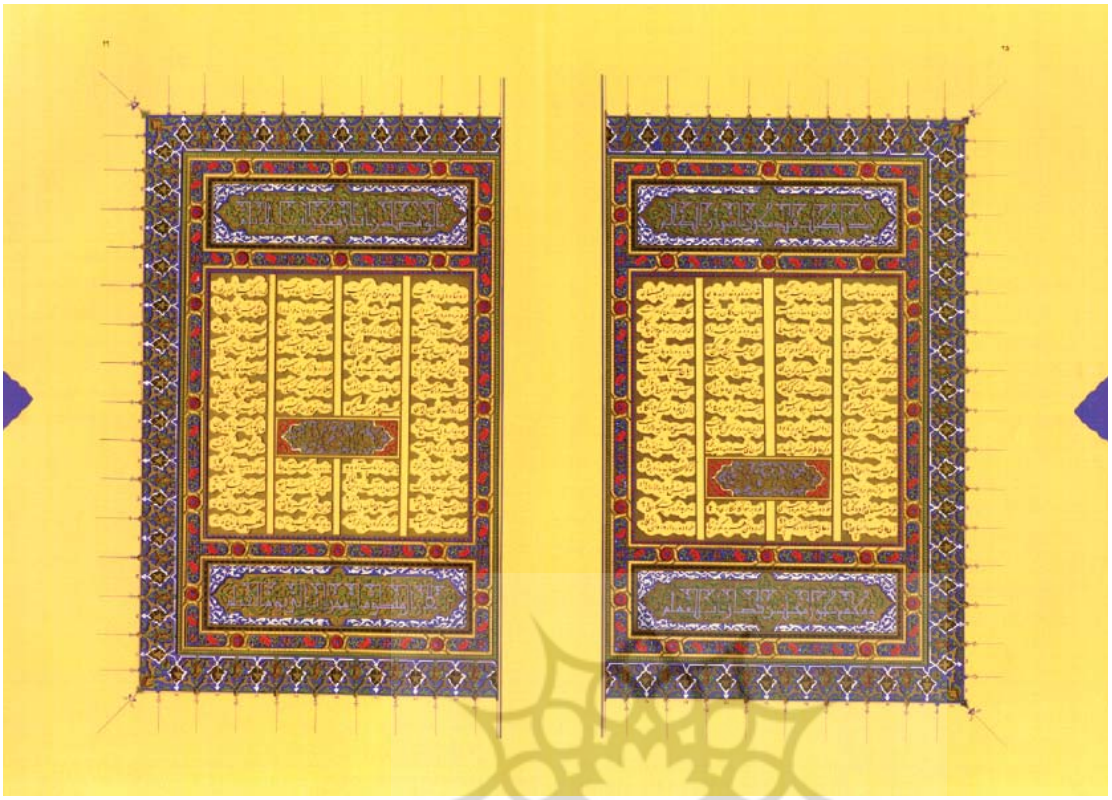

تصویر۳- آغاز متن شاهنامه، صفحه ۲۵ و ۲۶، شاهنامه بایسنغری

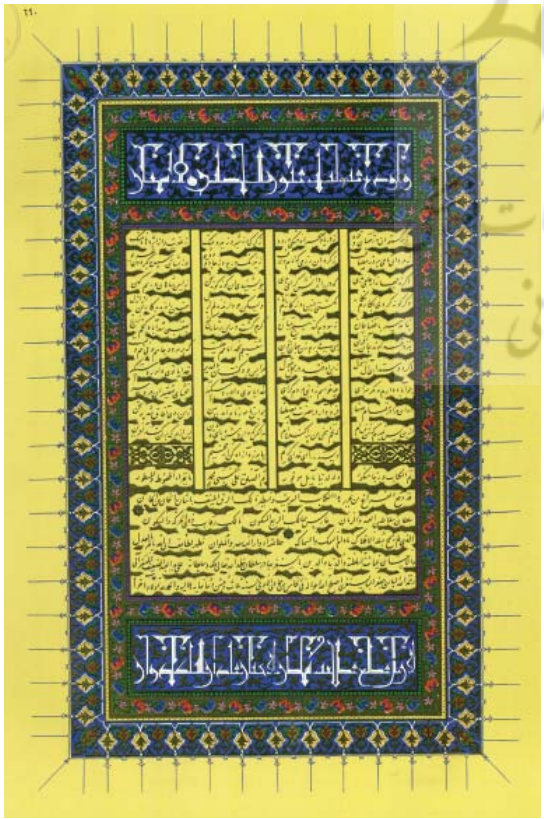

تصویر۴- صفحه ترقیمه شاهنامه بایسنغری

انتخاب شد و در آن جا چهل تن خوشنویس و هنرمندان دیگر به سرپرستی وی به کار کتابت، مصوری، مذهبی، قطاعی، وصالی و مجلدی مشغول بودند و نمونه آثار هنری آنان نشان می دهد در آن دوران به اوج زیبایی و کمال خود رسیده بودند. (مهدی بیانی،۱۳۶۲، ۱۱۴) جعفر شاگردان زبردستی چون: عبدالله طباخ هروی، عبدالحی منشی، شیخ محمود، اظهر تبریزی را تربیت کرد. هرچند پس از درگذشت بایسنغر (۸۳۷ هجری قمری) آثار چشم‌گیری از جعفر در دست نیست ولی چنانچه قطعه‌ای با رقم و تاریخ: «جعفر ۸۵۶» را متعلق به او بدانیم، وی دست کم تا این سال زنده بوده و بیش از هفتاد سال زیسته است.

در زمانی که شاهنامه بایسنغری در حال شکل گرفتن بود و مراحل نخست تصمیم‌گیری را پشت سر می‌گذاشت جعفر بایسنغری به عنوان کتابدار کتابخانه، مسئول هماهنگی بین هنرمندان و تهیه مواد اولیه برای شروع کار بود. جعفر بایسنغری علاوه بر آن که هنرمندان رشته‌های مختلف را با هم هماهنگ می‌ساخت به این نتیجه رسید که متن شاهنامه را خود کتابت نماید. این موضوع به هوش و زکاوت او بر می‌گردد. تفکر عاقبت اندیش وی در این زمینه که این اثر در آینده می‌تواند به عنوان یک کتاب ماندگار مورد توجه علاقه مندان قرار گیرد، جعفر را تشویق کرد تا خود متن آن را کتابت نماید.

با توجه به این که نستعلیق جعفر بایسنغری نسبت

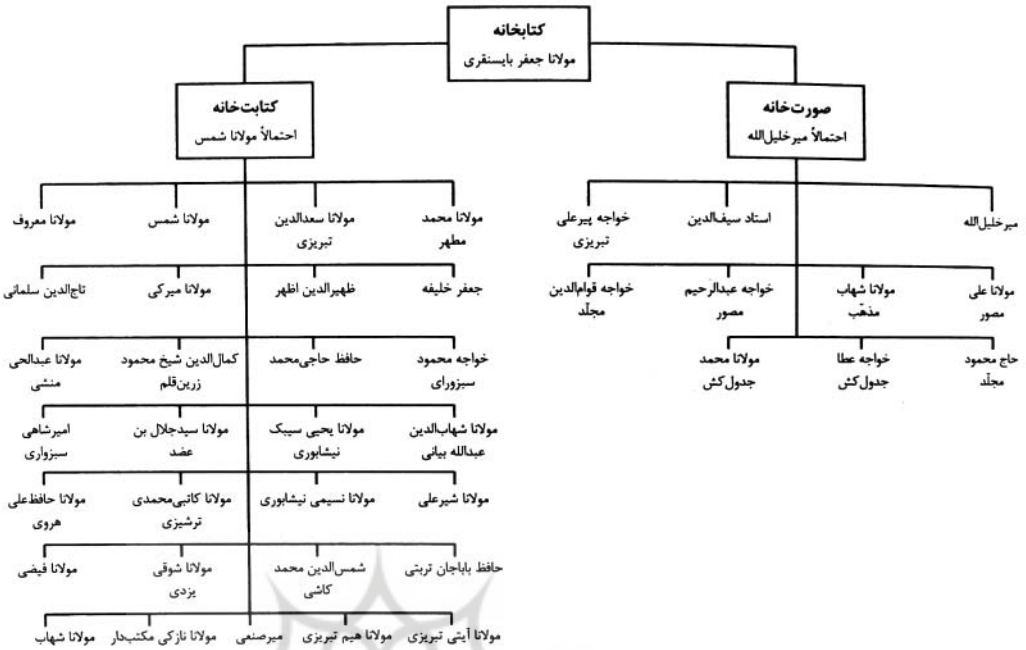

تصویر۵- خطاطان و نقاشان کتابخانه سلطنتی بایسنغر میرزا. (یعقوب آژند، ۱۳۸۶، ۲۱)

به خطوط دیگری که می‌نوشت در حد متوسط بود و وی در کتابت شاهنامه بایسنغری توفیق آن چنان نیافت اما از موقعیت ریاست کتابخانه و سرپرستی استفاده نمود و کتابت آن را بر عهده گرفت.

اگر چه می دانیم خوشنویسان طراز اول تن به کتابت متون طولانی نمی‌دادند و سعی می‌کردند آثاری با حجم کم تر و کیفیت بهتر خلق کنند، به ویژه در اواخر دوره تیموری و دوره صفوی که میل به چلیپا نویسی در خوشنویسی و تک نگاره در نگارگری رواج پیدا کرد؛ اما جعفر بایسنغری از معدود خوشنویسانی است که کتابت کتابی عظیم، چون شاهنامه فردوسی را به انجام رسانید.

در کتابخانه بایسنغر میرزا هنرمندان مختلف حضور داشتند و روایت شده چهل کاتب خوشنویس در کتابخانه او مشغول به کار بودند. اگرچه نام تمام چهل نفر آن ها در تاریخ ثبت نگردیده اما دکتر مهدی بیانی در احوال و آثار خوشنویسان نام ۲۵ تن از آن ها را ذکر نموده است. هم چنین در تصویر۵، نام برخی از این هنرمندان آورده شده است.[۱]

کتابت شاهنامه بایسنغری

اندازه قلم

مهم‌ترین هدفی که کاتب باید پس از درست نوشتن متن به آن دست یابد، یک‌دستی کتابت در تمامی صفحات است. برای نیل به این هدف، اندازه قلم بسیار تاثیرگذار است؛ اگر کاتب با قلمی ثابت، تمام صفحات را کتابت کند، می‌تواند به این مقصود دست یابد زیرا اشعار دارای وزن و هجاهای ثابتند و اندازه مصرع‌ها در اکثر اوقات با هم یکسان خواهد بود و با کمی دقت و تکیه بر ترکیب‌بندی در خوشنویسی، می توان طول مصرع ها را با هم یکسان کند.

موضوع مهم و اساسی در این است که قلم کتابت بنا به جنس آن، پس از نگارش چند سطر خورده می شود و کیفیت اولیه خود را از دست می دهد و می بایست مجددا تراشیده شود. این کار باعث تغییراندازه قلم جدید نسبت به اندازه قبلی می شود. دقت و ظرافت کار کاتب در این جا هویدا می‌شود که هرگاه در مدت کتابت دم قلم را می‌تراشد یا نوک آن را قط می‌زند، باید دقت کند که با اندازه اولیه برابر باشد. در این صورت به نظر می آید که تمام صفحات کتاب با یک قلم نگارش یافته اند و اندازه مصرع ها در همه جا با اندازه مسطر تناسب دارد.

اندازه قلمی که متن شاهنامه بایسنغری با آن کتابت گردیده، قلم کتابت خفی است که اندازه آن را یک دوم تا سه چهارم میلی متر تعریف کرده‌اند.(قلیچ خانی، ۱۳۸۸، ۲۸۲) این اندازه قلم برای نوشتن متن‌های طویل و کتاب‌های پر حجم کاربرد داشته تا از حجم نوشته‌ها و تعداد صفحات کتاب کاسته شود. کتابت با این قلم نسبتا دشوار است و نوک آن خیلی زود خورده می‌شود و نیاز به تراش مجدد پیدا می‌کند. جعفر بایسنغری کل کتاب را با این قلم به

۱- عرضه داشتی از مولانا جعفر بایسنغری در دست است که در آن از کارکرد کتابخانه سلطنتی هرات صحبت شده و پیداست که این کتابخانه، هم چون کتابخانه‌ی دوره‌ی ایلخانان، کارکردی دو سویه داشته و دو بخش مهم کتابت خانه و صورتخانه در اختیار خطاطان، کاتبان، نقاشان و مصوران بوده و آنان طرح‌های مهم هنری را هم‌زمان اجرا می‌کردند. این عرضه‌داشت که گزارش کار، به خط و انشای جعفر بایسنغری است، در آن وضعیت کار هنرمندان کتابخانه ثبت شده که هر یک روی طرحی کار می‌کردند. (سند مذکور در موزه توپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود) از این عرضه داشت بر می‌آید که همه امور هنری تحت نظارت رئیس کتابخانه بوده است. اگر استادان دیگر، نظیر قطّاعان و وصالان و فصّالان و مجلّدان، حل‌کاران و لاجوردشویان و غیره، را در نظر بگیریم، شمار هنرمندان کتابخانه بالغ بر دویست و اندی نفر می‌شود که چهل نفر آنان را کاتبان تشکیل می‌دادند. این نکته حکایت از برتری خطاطی و کتابت بر نقاشی و تصویرسازی در این مقطع از مکتب هرات می‌کند؛ به ویژه که خود بایسنغر میرزا در خطاطی چیره دست بود. (یعقوب آژند، ۱۳۸۶، ۲۰)

شماره صفحه	سطرهای بدون کشیده	درصد	شماره صفحه	سطرهای بدون کشیده	درصد
٤٩	٣٣ سطر	٪١٧/٧٤	٥١٢	٤٣ سطر	٪٢٣/١١
٢٥٥	٣٩ سطر	٪٢٠/٩٦	٥٤٤	٣٩ سطر	٪٢٠/٩٦
٢٧١	٥١ سطر	٪٢٧/٤١	٥٦٧	٣٥ سطر	٪١٨/٨١
٣٠٧	٤٢ سطر	٪٢٢/٥٨	٥٦٩	٣٨ سطر	٪٢٠/٤٣
٣٣٢	٥٥ سطر	٪٢٩/٥٦	٥٨٧	٥٩ سطر	٪٣١/٧٢
٣٧٨	٤٤ سطر	٪٢٣/٦٥	٥٩٥	٦٢ سطر	٪٣٣/٣٣
٤٠٨	٥٨ سطر	٪٣١/١٨	٦٢١	٤٤ سطر	٪٢٣/٦٥
٤٤٨	٦٧ سطر	٪٣٦/٠٢	٦٦٢	٥٨ سطر	٪٣١/١٨
٤٥٥	٤١ سطر	٪٢٢/٠٤	٦٦٨	٥١ سطر	٪٢٧/٤١
٤٩١	٥٦ سطر	٪٣٠/١	٦٧١	٥٧ سطر	٪٣٠/٦٤

جدول(١)- بررسی تعداد سطرهایی که در آن‌ها کشیده وجود ندارد (٢٠ صفحه از شاهنامه بایسنغری)

صورت یکدست کتابت کرده و در تراش قلم، آن قدر مهارت به خرج داده، که گویی همه صفحات با یک قلم نگارش یافته و اندازهٔ آن دچار نوسان نشده است.

فاصله بین سطرها و ستون‌ها

فاصله بین سطرها در قلم کتابت با توجه به کوتاهی یا بلندی سطر، ١٠ الی ١٥ نقطه در نظر گرفته می‌شود.(فلسفی، ١٣٧۴، ۴٢) جعفر بایسنغری در مرحله تهیه مسطر این مورد را چنان تنظیم کرده که فاصله بین تمام سطرها در حدود ١٢ تا ١٣ نقطه ثابت مانده و این اندازه در طول کتابت رعایت شده و فاصله بین سطرها نسبتا مساوی به نظر می‌آید.

فاصله بین ستون‌ها را برابر با فاصله بین دو سطر و یا کم تر ازآن اختیار می‌کنند. (فلسفی، ١٣٧۴، ۴٣) این فاصله در شاهنامه بایسنغری کم تر از فاصله بین دو سطر است. پس از تعیین این اندازه، کاتب موظف است تمامی نوشته‌ها را طوری تنظیم نماید که طول مصرع‌های بلند یا کوتاه با هم برابر گردد. برای رسیدن به این هدف از ترکیب سطر و انتخاب کشیده و سوار کردن حروف بر روی یکدیگر بهره می‌گیرد. با رعایت این موارد فاصله بین ستون‌ها یک دست و یکنواخت می‌شود.

اگرچه فاصله ستون‌ها در این شاهنامه به طور کامل رعایت نشده اما جدول کشی عمودی میان ستون‌ها از نواقص کار جلوگیری کرده و اشتباه کاتب را پوشش داده است.

مسطر

با توجه به آن چه گفته شد و به دست آمدن فاصله بین سطرها و ستون‌ها طرح مسطری را که برای شاهنامه بایسنغری تنظیم گشته بود، می‌توان به صورت تصویر۶ نشان داد. این مسطر، همان است که برای کتابت شاهنامه در نظر گرفته بودند.

رعایت کرسی

رعایت کرسی به این معناست که کاتب، نقش مسطر برجسته یا فرو رفته را مبنای خط زمینه قرار داده و بر روی آن ها نگارش نماید، در این راستا اگر حرف یا اتصال در جای مناسب خود قرار گیرد سطر نوشته شده به صورت مستقیم خواهد بود.

اما جعفر بایسنغری در این رابطه، توفیق کامل نیافته و نتوانسته است آن را به صورت دقیق رعایت نماید؛ اگرچه به صورت کلی در هر صفحه خطوط راست و مستقیم به نظر می‌آیند اما با دقت بیش تر و رسم خط زمینه، می‌توان گفت بسیاری از سطرها از مسیر مسطر خارج شده‌اند.

با ترسیم کرسی در صفحه ٣٣٢ می‌توان مشاهده نمود که سطرهای بسیاری از مسیر خط زمینه منحرف گشته‌اند؛ یا بالاتر از کرسی نوشته شده، یا مورب نگارش یافته و یا در انتها به سمت بالا میل دارند و این میل به سمت بالا بیش تر از حدی است که برای آخرین حرف یا آخرین اتصال تعریف کرده‌اند. (عموماً آخرین حرف یا آخرین اتصال را بالاتر از محل اصلی خود می‌نویسند که برخی آن را اتمام سطر می‌گویند). (تصویر ٧)

ترکیب حروف و کلمات

کاتب برای نگارش هر مصرع، به ساختار ظاهری کلمات توجه می کند و کلماتی که قابلیت آن را دارند که به

صفحه چلیپایی	صفحه نگاره	صفحه چلیپایی	صفحه نگاره
۲۲-۱۹	۲۳ سرلوح	۳۰۳	-
۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۷-۹۶	۱۰۱	۳۱۷	۳۱۸
۱۳۷	-	۳۵۵-۳۵۴-۳۵۳-۳۵۲ ۳۶۱-۳۵۸-۳۵۷	۳۶۲
۱۳۸	-	۳۹۲-۳۹۱-۳۹۰	۳۹۳
۱۵۶-۱۵۵-۱۵۴-۱۵۳-۱۵۲ ۱۶۱-۱۶۰-۱۵۹-۱۵۸-۱۵۷ ۱۶۲	۱۶۳	۴۰۰	۴۰۱
۱۷۱	-	۴۰۲	-
۱۸۶	-	۴۰۳	-
۱۸۷	-	۴۰۴	-
۲۱۸-۲۱۷	۲۱۹	۴۰۵	-
۲۵۳-۲۵۲-۲۵۱-۲۵۰-۲۴۹ ۲۵۶-۲۵۴	۲۵۷	۴۰۶	-
۲۶۹	-	۴۲۷-۴۲۶	۴۲۹
۲۹۸	-	۴۴۲	-
۲۹۹	-	۴۴۳	-
۳۰۰	-	۵۷۱	۵۷۲
۳۰۱	-	۶۰۳-۶۰۲	۶۰۴
۳۰۲	-	۶۸۸-۶۸۷-۶۸۶	۶۸۹ سرلوح

جدول ۲: صفحه چلیپایی و ارتباط آن با صفحه نگاره در شاهنامه بایسنغری

صورت کشیده (مد) نوشته شوند، ارزیابی کرده و بهترین آن ها را انتخاب و به صورت کشیده اجرا می کند.

بیست صفحه از کل صفحات شاهنامه بایسنغری به نحوی انتخاب گردیده که در آن ها، عنوان، تصویر یا سطرهای چلیپایی وجود نداشته باشد و وجود یا عدم وجود کشیده در سطرها مورد بررسی قرار گرفته است.

در آثارخوشنویسی برای هر سطر حداقل یک کشیده در نظر گرفته می‌شود و این تعداد گاه تا دو یا چند کشیده اضافه می‌گردد. برای نگارش شعر از انواع مدات معمولی، تخت و کشیده‌های معکوس استفاده می‌شود. با این همه آزادی عمل، سطرهای بدون کشیده در صفحه به چشم می‌خورد که می‌تواند ناشی از عوامل زیر باشد.

الف) کلمات و حروف موجود در یک مصرع هیچ یک قابلیت کشیده شدن را نداشته باشد. (تصویر۸)

ب) تعداد کلمات و اتصالات در مصرع، آن قدر است که اگر کشیده‌ای در آن گنجانده شود، کلمات در انتهای سطر جای نگیرند یا با ازدحام نوشته شوند. (تصویر۹)

ج) به علت کتابت زیاد و پشت سر هم کاتب دچار اشتباه شده و نوشتن حرف یا کلمه به صورت کشیده، مورد فراموشی قرار گرفته است.

با توجه به توضیحات بالا، سطرهای بدون کشیده در بیست صفحه از شاهنامه بایسنغری بررسی و در جدول زیر ارائه شده است.

در جدول فوق ملاحظه می‌شود که از بین ۳۷۲۰ سطر موجود در ۲۰ صفحه از شاهنامه بایسنغری تعداد ۹۷۲ سطر وجود دارد که در آن ها هیچ کلمه‌ای به صورت کشیده اجرا نشده و این تعداد ۲۶/۱۲ درصد از کل سطرها در این صفحات را تشکیل می‌دهند.

خلوت و جلوت

«در لغت، به معنی پنهان و آشکار است. در خوشنویسی، از قواعد دوازده‌گانه بوده و به قاعده «سواد و بیاض» شباهت دارد، ولی تفاوتش در این است که خلوت و جلوت، تنها در صفحه پردازی و تعادل و توزان صفحه دارای اهمیت و اعتبار می‌باشند. قواعد کرسی، ترکیب و غیره باید به گونه‌ای رعایت شوند که در صفحه مشق، بخش‌هایی سفید و خالی از حرف و بخش‌های دیگر، شلوغ و متراکم به نظر نرسد. مثلا در صفحه کتابت، برای ایجاد تناسب میان خلوت و جلوت، سعی می‌شود تا چند کلمه کشیده در سطرهای گوناگون، زیر هم قرار نگیرند و در نتیجه سبب پیدایش خلوت شوند». (قلیچ خانی، ۱۳۸۸، ۱۷۴)

اگرچه تمام سعی و تلاش خوشنویس بر آن بوده تا کتابتی یکدست و یکنواخت در تمامی صفحات شاهنامه بایسنغری به وجود آورد اما بنا به اقتضای بعضی از سطرها و شاید حجم زیاد کار، باعث گردید در انتهای

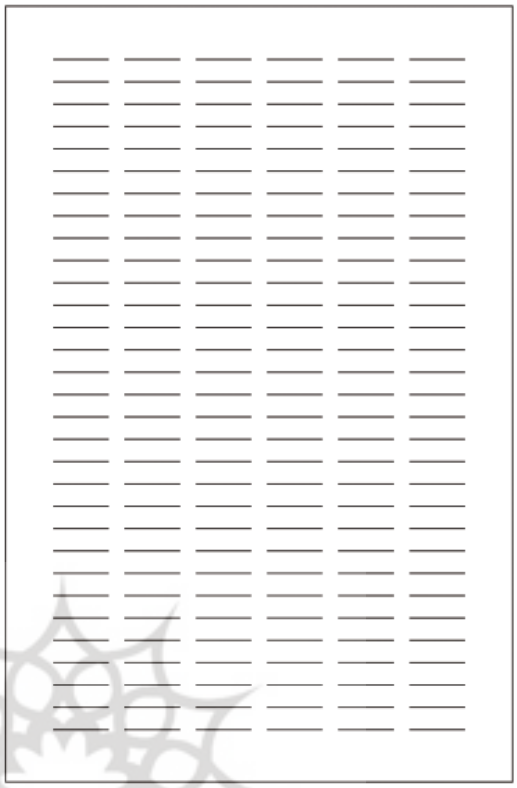

تصویر۶- طرح مسطر شاهنامه بایسنغری

تصویر۷- کرسی حروف و کلمات در شاهنامه بایسنغری

برخی از سطر ها ازدحام و فشردگی کلمات پدید آید برای نمونه در صفحه ۶۷۱ فشردگی کلمات در انتهای سطر، بر اثر سوار کردن حروف بر یکدیگر سبب شد تا تیرگی حاصله از آن، تعادل بین خلوت و جلوت را از بین ببرد. (تصویر ۱۰)

صفحات چلیپایی

در نسخه‌های خطی مصور، چلیپا نویسی به این منظور است که مقدار کم تری از متن، نوشته شود و دنبال آن به صفحه بعد، همراه با تصویر مورد نظر، ادامه یابد. (اورستی،۱۳۸۶، ۴۶) در شاهنامه بایسنغری نیز صفحات متعدد چلیپایی وجود دارد که بیش تر آن ها در رابطه با تصویر می‌باشد.[۱]

از تعداد ۶۶ صفحه چلیپایی، ۴۷ صفحه قبل از تصویر واقع شده و ۱۹ صفحه دیگر حالت تزئینی به خود گرفته است. حداقل تزئین برای چلیپا نویسی در نسخه هایی که جدول کشی شده، جداول اطراف آن است اما در نسخ نفیس، اطراف هر مصرع که به صورت مثلث (لچک) خالی مانده را با تزئینات اسلیمی ـ ختایی می‌آراستند و به این ترتیب صفحات زیبا و چشم نواز را پدید می‌آوردند. (تصویر ۱۱)

رعایت موارد مربوط به کتابت

در نوشته های به جا مانده از خوشنویسان، در دوره های مختلف، موضوعاتی از قبیل: جنس کاغذ، رنگ آمیزی، آهار مهره، شیوه تهیه مرکب، اوقات مشق کردن و غیره آورده شده و اغلب خوشنویسان در تهیه و آماده سازی موارد فوق آگاهی داشته و خود مبادرت به تهیه آن ها می‌نمودند. جعفر بایسنغری به عنوان کاتب شاهنامه بایسنغری و کتابدار کتابخانه سلطنتی، در تهیه کاغذ، رنگ آمیزی و آهار مهره دخالت مستقیم داشته و به طبع همه آن ها را با اعمال سلیقه خود تهیه کرده است.

وی در تهیه مرکب، تراش قلم و نیز محل مناسب کتابت، اوقات تعین شده برای کتابت و محل مناسب را مد نظر داشته که توانسته کتابت پر حجم شاهنامه را به اتمام برساند.

ولیکن خانه را خطاط باید
که از هر چار سو درها گشاید
صباحی مصلحت زان گونه بیند
که در پیش در شرقی نشیند
به وقت نیمروز ای نیک منظر
جنوبی بهتر است از جای دیگر
به نزدیک در غربی نشستن
ولی در آخر روز است احسن

مجنون رفیقی هروی (قلیچ خانی، ۱۳۷۳، ۳۹)

۱- از دیر زمان در ایران کار کاتب بر روی نسخه خطی مقدم بر کار نگارگر بود (آداموا،گیوزالیان،۱۳۸۳، ۳۸) و خوشنویس کتابی منظوم یا منثور را با خط خوش بازنویسی می‌کرد و فضاهایی را برای تصویرگری داستان ها و وقایع در نظر می‌گرفت و سپس این وظیفه را بر عهده نقاش می‌گذاشت تا او بنا بر انتخاب خود و یا طبق سنت معمول، بخش‌هایی از متن را به تصویر کشیده و بر کتاب بیفزاید. (پاکباز،۱۳۷۸، ٤٠٦) به تدریج در روند شکل گیری کتابخانه ـ کارگاه‌های سلطنتی و قرار گرفتن کاتبان و نگارگران در یک مجموعه، همکاری بین آن ها بیش تر شد و برای تولید نسخه‌ها و چگونگی صفحه آرایی و صفحه‌پردازی از مساعدت و کمک همدیگر بهره می‌بردند؛ تنظیم نقاشی‌ها در کنار سطرهایی از متن که بیان گر حادثه‌ای است و درک آن به کمک تصویر آسان‌تر می شود، حاکی از همکاری نزدیک خوشنویسی و نقاش است. (آداموا،گیوزالیان،۱۳۸۳، ۳۸) یکی از این روش‌ها در تنظیم محل قرار گرفتن تصاویر استفاده از سطرهای چلیپایی است که سبب می‌شود تا نوشته فضای بیش تری را فرا گیرد. در این صورت می‌توان محل قرار گرفتن تصویر را تنظیم نمود.

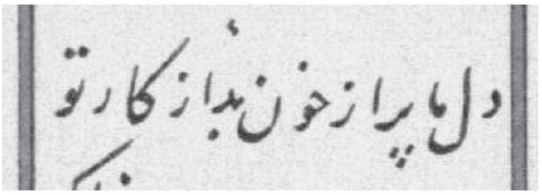

تصویر۸- سطری که کلمات آن قابلیت کشیده شدن ندارند.

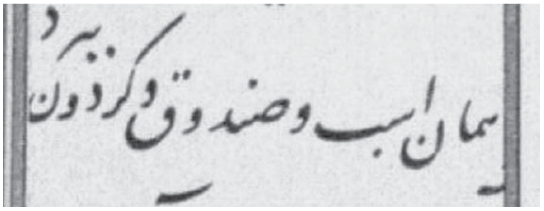

تصویر(۹)- ازدحام کلمات و عدم وجود کشیده در سطر

تصویر۱۰- فشردگی و ازدحام کلمات در انتهای سطر

کتابت و صفحه آرایی شاهنامه
بایسنغری

تصویر ۱۱- صفحه چلیپایی، شاهنامه بایسنغری

نتیجه

شاهنامه بایسنغری از آثار ارزشمند و نفیس نسخه‌های خطی فارسی و ایران است که علاوه بر وجود بیست و دو مجلس نگاره کم نظیر دارای تزئینات و شیوه صفحه آرایی بسیار عالی می‌باشد.
کتابت این کتاب عظیم را جعفر (تبریزی) بایسنغری به انجام رسانده که در آن ایام ریاست کتابخانه سلطنتی را بر عهده داشت. اگر چه جعفر بایسنغری، ممتازترین نستعلیق نویس آن عصر نبوده اما سعی نمود تا کتابتی یکدست و یکنواخت ارائه کند و این تلاش او در نگاه اول قابل درک است، که ناشی از اندازه ثابت قلم و رعایت فواصل بین سطرها و ستون‌ها در تمام صفحات می‌باشد. (جدول کشی میان ستون‌ها نیز به این جریان کمک کرده است) اما با کمی دقت و کنکاش در متن می‌توان دریافت که ترکیب سطرها و رعایت خلوت و جلوت در برخی از صفحات از قاعده خارج شده و یکنواختی کتابت را دچار نوسان کرده است. چرا که جعفر در خطوط شش گانه و هم چنین تعلیق از استادان چیره دست بوده و گاه الگوهای ترکیب‌بندی کلمات و سطرهای آن خطوط بر فضای این اثر وی تاثیر گذاشته است.
این نسخه از جهت بررسی متن، نستعلیق آغازین، تنوع در صفحه‌آرایی و نیز نگاره‌های ارزشمندش از برجسته‌ترین آثار دوره تیموری به شمار می‌رود.

منابع و مآخذ

آداموا، ا.ت، گیوزالیان، ل.ت، نگاره‌های شاهنامه، ترجمه: زهره فیضی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
آژند، یعقوب، کتابت‌خانه و صورت‌خانه در مکتب هرات، گلستان هنر، شماره ۱۰، ۱۳۸۶.
اورستّی، پائولا، نسخه‌های خطی اسلامی: ویژگی‌های مادی و گونه شناختی، ترجمه شیرین بنی احمد (رشار)، نامه بهارستان، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۶.
بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، چاپ دوم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳.
پاکباز، رویین، دایره المعارف هنر، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۸.
رابینسن، ب. و، هنر نگارگری ایران، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، مولی، تهران، ۱۳۷۶.
شاهکارهای نگارگری، چاپ اول، موزه هنرهای معاصر تهران- مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی، تهران، ۱۳۸۴.
شریف زاده، سید عبدالمجید، نامور نامه، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، از روی نسخه ی خطی بایسنغری، ۱۳۵۰
فلسفی، امیر احمد، ترکیب در نستعلیق، چاپ هفتم، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۷۴.
قلیچ خانی، حمید رضا، رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۳،
قلیچ خانی، حمید رضا، فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، چاپ دوم، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۸۸،